



11/17/11

٩١١٥٦

۸۷/۱/۱۰۲۸۸۷  
۸۷/۱۲/۱۳

## دانشگاه پیام نور

### پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

فرهنگ تشبیهات در دیوان ازرقی براساس مشبه

استاد راهنما :

دکتر محمد شکرای

استاد مشاور :

دکتر علی محمد گیتی فروز

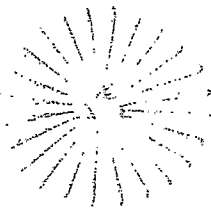
نگارش :

مژگان طیبی

تیرماه ۸۷

۹۸۸۵۶

۱۳۸۷ / ۷ / ۱۱



دانشگاه جامع پیام نور استان خوزستان

باسمه تعالی

شماره .....  
تاریخ .....  
پوست .....

«صورتجلسه دفاع از پایان نامه»

جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای/خانم میرگاده طهمینی دانشجوی رشته فراپارادها و ابرپارادها فارغ التحصیل  
تحت عنوان: فرهنگ سببهاست در دیوان ازرمی پیرآسان مبه

با حضور هیأت داوران در روز شنبه مورخ ۶۹ / ۱۳۸۷ ساعت ۱۰ در محل دانشگاه پیام نور برگزار شد و پس از بررسی، پایان نامه مذکور با نمره ۱۹ و با درجه عالی مورد قبول واقع شد/نشد.

اعضای هیأت داوران:

امضاء	مرتبۀ علمی	نام و نام خانوادگی	هیأت داوران
	استادیار	محمد کریمی	۱- استاد راهنما
	استادیار	علی محمد کبیری فروز	۲- استاد مشاور
	استادیار	صدی کدخدای حاجی	۳- استاد داور
	استادیار	محمد کریمی	۴- نماینده گروه آموزشی
	استادیار	علیرضا ایزدی نادر	۵- نماینده تحصیلات تکمیلی

## پیشگفتار:

هدف من از انجام این تحقیق شناخت جایگاه هنری ازرقی هروی و تدوین فرهنگ الفبایی تشبیهات است تا منبع و مأخذی برای محققان و سبک شناسان باشد که بتوانند راحت تر به کاربرد انواع تشبیه دسترسی پیدا کنند. البته چنین کاری قبلاً در فرهنگ مترادفات صورت گرفته بود ولی کامل نبوده، و تشبیه و استعاره باهم مخلوط شده بود؛ لذا در این تحقیق با جمع آوری تمامی تشبیهات از دیوان ازرقی هروی تلاش کرده ام که سیر منظم کاربرد تشبیهات مشخص شود. تهیه فرهنگ تشبیهات دیوان های شاعران، ضمن تسهیل دسترسی به عناصر تشبیهی، می تواند در تبیین سیر تشبیهات در تاریخ ادبیات مفید واقع گردد. به کمک این فرهنگ و دیگر فرهنگ هایی که از این دست ارایه می شود می توان سابقه تشبیهات را در دیوان های شاعران مقدم و رد پای آن را در عرصه تشبیه ارزیابی نمود.

روش من در انجام این تحقیق به صورت فیش برداری و کتابخانه ای و استفاده از مراجع و منابع معتبر و روش تحلیل محتوا بوده است.

مطالب این پایان نامه عبارتند از: شرح حال ازرقی، تشبیه و انواع آن به اعتبار طرفین، تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب، تشبیه خیالی، اضافات تشبیهی، وجه شبه و ادات در دیوان، تصاویر ایستا و پویا، اغراق و تلمیح و حرف گرایی در دیوان، انواع تشبیه به لحاظ شکل، تغزل و نوآوری و توصیف طبیعت و آمیختگی طبیعت با سپاهیگری در دیوان، بیان حال شاعر و شعر، ترکیب رزم و بزم، مدح و ممدوح، مثل و رنگ و حسامیزی در دیوان، تشبیه و تعلیل و تشبیه و تجاهل و ابهام و تصویرسازی در شعر ازرقی.

انجام این تحقیق از نظریافتن دیوان و منابع متعدد در این زمینه و روش تدوین فرهنگ با مشکلاتی همراه بوده است که اگر زحمات و رهنمودهای اساتید بزرگوارم آقایان دکتر شکرایی و جناب دکتر گیتی فروز نبود این کار و تحقیق به سر منزل مقصود نمی رسید که از این فرصت استفاده می کنم و از اساتید گرانقدرم که در این تحقیق متحمل زحمات فراوانی شدند کمال تشکر و قدردانی را اعلام می دارم. اگرچه زبان الکن من در سپاس از این عزیزان بسیار ناتوان است. و در پایان از زحمات همسر گرامی که در تایپ و ویرایش این اثر مرا یاری نموده است کمال تشکر و امتنان را دارم. امیدوارم که این اثر مورد توجه اهل ادب و محققان تاریخ شعر و ادبیات فارسی قرار گیرد.

یکشنبه سی ام تیرماه ۱۳۸۷

## چکیده :

ازرقی هروی ازبهترین شاعران درجه دوم در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم محسوب میشود. از آنجاکه وی سبکی خاص و تعبیرات مخصوص به خود دارد و با استفاده از تشبیهات خیالی و گرایش تشبیهاتش به سوی مفاهیم عقلی و مجرد در تغییر سبک مؤثر بوده، در این پایان نامه ابتدا اطلاعاتی در مورد زندگی ازرقی هروی و نوع تشبیهات او، وجه شبه وادات تشبیه و مضامین اشعار او ارائه شده؛ سپس تمامی تشبیهات دیوان ازرقی جمع آوری و به صورت الفبایی مرتب گردیده است. در قسمت اشارات معنی وازگان دشوار و بعضی از وجه شبه ها و مثل ها بیان شده است و در انتها برای سهولت دسترسی به تشبیهات تمامی مشبه ها در کنار مشبه به خود آورده شده است.

## فهرست مطالب

- ۱..... شرح حال ازرقی هروی.....
- ۵..... تشبیه وانواع آن به اعتبار طرفین درشعرازرقی.....
- ۸..... تشبیه به اعتبارمفردومقیدومرکب بودن درشعرازرقی.....
- ۱۰..... تشبیه خیالی دردیوان ازرقی.....
- ۱۶..... اضافات تشبیهی در دیوان ازرقی.....
- ۱۷..... وجه شبه وادات تشبیه دردیوان ازرقی.....
- ۱۹..... تصاویرایستا وپویادردیوان ازرقی.....
- ۲۰..... اغراق درتشبیهات ازرقی.....
- ۲۱..... تلمیح درتشبیهات ازرقی.....
- ۲۲..... حرف گرایی درتشبیهات ازرقی.....
- ۲۲..... انواع تشبیه به لحاظ شکل دردیوان ازرقی.....
- ۲۵..... تغزل ونوآوری درشعرازرقی.....
- ۲۶..... توصیف طبیعت درشعرازرقی.....
- ۲۷..... آمیختگی طبیعت با سپاهیگری درشعرازرقی.....
- ۲۸..... بیان حال شاعروشعروشاعری.....
- ۲۸..... معلومات نجومی درشعرازرقی.....
- ۲۹..... تشبیهات رزمی درشعرازرقی.....

۲۹.....	ترکیب رزم و بزم در شعر ازرقی.....
۳۰.....	مدح و ممدوح در شعر ازرقی.....
۳۱.....	مثل در شعر ازرقی.....
۳۲.....	رنگ و حس آمیزی در شعر ازرقی.....
۳۲.....	تشبیه و تعلیل در شعر ازرقی.....
۳۳.....	تشبیه و تجاهل در شعر ازرقی.....
۳۳.....	ابهام در بعضی از تشبیهات ازرقی.....
۳۴.....	تصویرسازی با صفت در شعر ازرقی.....
۳۴.....	طرز استفاده از فرهنگ تشبیهات.....
۳۶.....	فرهنگ تشبیهات دیوان ازرقی.....
۱۶۵.....	اشارات.....
۱۷۸.....	نمایه.....
۱۸۷.....	فهرست منابع و مأخذ.....

## ۱) شرح حال ازرقی هروی

ابوبکرزین الدین بن اسمعیل وراق هروی شاعر معروف اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم پس از شش تن شاعر درجه اول پیش از فتنه مغول یعنی رودکی و فردوسی و عنصری و فرخی و ناصر خسرو و مسعود سعد سلمان از بهترین شاعران درجه دوم این دوره و همدوش با منوچهری و ابوالفرج رونی و لامعی و معزی و انوری و صابر ترمذی و عبدالواسع جبلی و رشید و طواط و عثمان مختاری از شعرای خراسان و شاعران نواحی دیگر ایران مانند آذربایجان و عراق و اصفهانست.

وی سبکی خاص و تعبیرات مخصوص به خود دارد که پی بردن به آنها تا اندازه ای دشوار است و شعر او را مشکل تر از دیگر شاعران این دوره کرده است. روش او در شعر از یک سو به روش عنصری و از سوی دیگر به روش ابوالفرج رونی نزدیک است که گاهی تعبیرات و مضامین دور از ذهن دارند که پی بردن به آنها انس و معلومات خاصی نیاز دارد!

وی شاعری اندک گوی بوده و دیوان او به تصحیح سعید نفیسی شامل ۲۶۷۴ بیت است که انتساب برخی از ابیات به ازرقی مورد تردید است.

قدیم ترین ذکری که از او در کتابها داریم آنست که نظامی عروضی در چهارمقاله آورده است در این کتاب درباره وی چنین آمده است:

((آل سلجوق همه شعر دوست بودند اما هیچکس شعر دوست تر از طغانشاه بن آلب ارسلان نبود و محاورت و معاشرت او با شعراء بود و ندیمان او همه شعراء بودند چون امیر ابو عبدالله قرشی و ابوبکر ازرقی و ابو منصور بایوسف و شجاعی نسوی و احمد بدیهی و حقیقی و نسیمی و اینها مرتب خدمت بودند و آینده و رونده بسیار بودند، همه از او مرزوق و محظوظ، مگر روزی امیر با احمد بدیهی نرد می باخت و نرد ده هزاری به پایین کشیده بود و امیر دو مهره در شش گاه داشت و احمد بدیهی دو مهره در یک گاه و ضرب امیر را بود، احتیاطها کرد و بینداخت، تا دو شش زند، دو یک برآمد، عظیم طیره شد و از طبع برفت و جای آن بود آن غضب به درجه ای کشید که هر ساعت دست به تیغ می کرد



وندیمان چون برگ بردخت همی لرزیدند که پادشاه بود و کودک بود و مقمور به چنان زخمی، ابوبکر ازرقی برخاست و به نزدیک مطربان شد و این دو بیتی باز خواند، ازرقی گوید:

گر شاه دوشش خواست دو یک زخم افتاد      تا ظن نبیری که کعبتین داد نداد  
آن زخم که کرد رأی شاهنشاه یاد      در خدمت شاه روی بر خاک نهاد

با منصور بایوسف در سنه خمسّمائه که من به هرات افتادم مرا حکایت کرد که امیر طغانشاه بدین دوبیتی چنان با نشاط آمد و خوش طبع گشت که بر چشمهای ازرقی بوسه داد و زر خواست پانصد دینار و در دهان او میکرد تا یک درست مانده بود و به نشاط اندر آمد و بخشش کرد، سبب آن همه یک دوبیتی بود...<sup>۱</sup>

در این که ازرقی مداح طغانشاه بوده است جای سخنی نیست و این رباعی نیز در دیوان ازرقی هست، پس در راست بودن این واقعه تردید نمی توان کرد. این واقعه را نظامی عروضی در هرات که زادگاه ازرقی و مرکز حکمرانی طغانشاه بوده و ازرقی قسمت عمده از زندگی خود را در آنجا گذرانده است در سال ۵۰۹ (ق.ه) شنیده است و چون رحلت ازرقی را در ۵۲۶ (ق.ه) یا ۵۲۷ (ق.ه) نوشته اند در این زمان هنوز ازرقی زنده بوده و شاید در همان شهر هرات میزیسته است.

پس از چهار مقاله قدیم ترین کتابی که ذکری از ازرقی در آن هست کتاب بدایع الازمان فی وقایع کرمان تالیف افضل الدین ابو حامد کرمانیست که تا وقایع سال ۵۸۲ (ق.ه) را دارد و پیداست که در همین زمانها تالیف شده است.

مطالب این کتاب را محمد ابراهیم نامی در سال ۱۰۲۵ (ق.ه) به نام تاریخ سلجوقیان کرمان به خود نسبت داده است و احمد ابن حامد درباره ازرقی در ذکر وقایع حکمرانی قاورد سلجوقی در کرمان چنین گفته است: ((قاورد شاه در اطراف کرمان محاربات نمود، از جمله در دربند سجستان پسرش امیرانشاه قریب ششماه با سجزیان محاربه نمود و حکیم ازرقی ذکر آن مصاف در قصیده ای که در مدح امیرانشاه بن قاورد گفته کرده و غیر ازین قصیده قصاید غراً در مدح امیرانشاه انشاد کرده)).<sup>۲</sup>

۱) ر.ک: چهارمقاله، چاپ لیدن، ص ۴۳-۴۴

۲) ر.ک: دیباچه دیوان ازرقی، پیشین، ص ۴

پس از بدایع الازمان قدیمترین کتابی که ذکر ازرقی در آن هست لباب الالباب محمد عوفیست که در حدود ۶۱۸ (ق.ه) تألیف کرده است عوفی در آنجا نام وی را ((حکیم شرف الزمان ابوالمحاسن ازرقی هروی)) نوشته و می گوید ((ازمخصوصان حضرت شمس الدوله والدین طغانشاه بود)). پس از آن شرحی آورده است که ازرقی برای طغانشاه کتاب ((الفیه و شلفیه)) را نظم کرد.<sup>۱</sup>

پس از لباب الالباب در بسیاری از تذکره ها شرح حال و منتخب اشعاری از ازرقی هست که اعتباری در آنها نیست و تاریخ رحلت وی را برخی در ۵۲۶ (ق.ه) و برخی در ۵۲۷ (ق.ه) آورده اند و برخی لقب زین الدین را درباره وی ضبط کرده اند.

دوره شاعری وی تقریباً از حدود ۴۶۰ (ق.ه) تا ۵۲۷ (ق.ه) کشیده شده است یعنی مدت ۶۷ سال و اگر در بیست سالگی به سخن سرایی آغاز کرده باشد تقریباً در حدود ۴۴۰ (ق.ه) ولادت یافته است و بدین گونه بیش از هشتاد سال عمر کرده است.

ازاینکه در جوانی به شاعری آغاز کرده است شک نیست زیرا در قصیده ای در مدح امیرانشاه می گوید:

جهان جوان شد و ما هم چنو جوانانیم      می جوان به جوان ده درین بهار جوان

سپس در قصیده دیگر در ستایش طغانشاه می گوید:

جهان پیر چو من یک جوان برون ناورد      بلند همت و بسیار دان و اندک سال

بدین گونه در حدود ۴۶۰ (ق.ه) که مداح امیرانشاه بود جوان بوده است و در حدود ۴۷۶ (ق.ه) که ستایشگر طغانشاه بوده نیز جوان بوده است.

بیشتر اشعار ازرقی در ستایش دوتن از امیرزادگان سلجوقیست که در اواسط قرن پنجم زیسته اند؛ نخست همام الدوله قوام المله ابو شجاع و ابوالمظفر امیرانشاه بن قاورد ابن جغری که برای رعایت وزن شعر گاهی نام او را میرانشاه آورده و دو قصیده در ستایش او دارد. دوم شمس الدوله ابوالفوارس طغانشاه بن آلب ارسلان محمد سلجوقی که ۱۲ قصیده در ستایش وی سروده است و در القاب او کهف امت و کهف امم و کهف ملت و زین امم و زین ملت و زین ملل و زین ملوک بکار برده است و پیداست که دو کلمه ((کهف)) و ((زین)) با القاب او مناسبتی داشته اند. در سال ۴۲۹ (ق.ه) که طغرل

(۱) ر.ک: دیباچه دیوان ازرقی، پیشین، ص ۵

بیک سرکرده ترکمانان سلجوقی در جنگ دندانقان مسعود غزنوی را شکست داد و خراسان را از او گرفت بزودی ترکمانان سلجوقی بجز ماوراءالنهر که ترکان آنرا از سامانیان گرفته بودند تقریباً بر همه ایران آنروز استیلا یافتند. یکی از نخستین شهرهایی که ترکان سلجوقی بر آن دست یافتند شهر هرات یا هری زادگاه ازرقی بود. در همان آغاز طغرل بیک نواحی مختلف ایران را که گشاده بود در میان خود و برادران و برادرزادگان تقسیم کرد بدین گونه: مرورا با قسمتی از خراسان به جغری بیک برادر مهتر خود داد و ئست و هرات و سیستان را به برادر دیگر موسی، یبغو و ناحیه طبسین و کرمان را به قاورد پسر مهتر جغری داد و عراق را برای خود نگاهداشت و همدان را به ابراهیم ینال که برادر دیگر وی از مادر دیگر بود و ابهر و زنجان و آذربایجان را به برادر زاده دیگرش امیر یاقوتی پسر دیگر جغری سپرد و گرگان و دامغان را به قتلش از خویشان خود داد.

این سرکردگان ترکمان سلجوقی هر یک در ناحیه خود بیش و کم استقلال داشتند و برخی از ایشان سلطنت موروث برای خاندان خود فراهم کردند.

عمادالدین قرا ارسلان قاورد در همان سال ۴۲۹ (ه.ق) سلسله ای در کرمان تشکیل داد که به سلاجقه یا سلجوقیان کرمان معروف شدند. قاورد هفت پسر داشت و چهل دختر. پسرانش به ترتیب سلطان شاه، تورانشاه، کرمانشاه، امیرانشاه، عمرو، مردانشاه و حسین بودند. پیداست که این پسران می بایست در اول نام ترکی داشته باشند و چون به حکمرانی رسیده اند لقب یا نام اسلامی اختیار کرده اند. امیرانشاه یا میرانشاه پسر چهارم قاورد که ممدوح ازرقی بوده پیداست که از پسران دیگر وی رشید تر و کارآمدتر بوده است. از کارهای مهم وی جنگیست که در سیستان کرده و احمد بن حامد از آن یاد کرده و قصیده ای را که ازرقی در آن زمینه سروده آورده است. پیداست وی به جز آن جنگ معروف سیستان جنگهای دیگری در فارس و یا ترکان و هندوان و همای تگین نامی که پیداست از ترکان بوده کرده است زیرا که ازرقی در باره وی می گوید:

از شاهزادگان که کند هرگز آنکه تو	در جنگ فارس کردی و در حرب سیستان
با لشکر بلند کمان از نژاد ترک	نام بلند جستی و برداشتی کمان
و رهندوان زهند به جنگ تو آمدند	جان آختی به آهن هندی زهندوان
و ر لشکرهای تگین با تو صف کشید	زایشان همای حوصله پر کرد از استخوان

در سال ۴۶۶ (ق.ه) قاورد با ملک‌شاه سلجوقی در افتاد و شکست خورد و گرفتار شد و پس از چند روزی او را شبانه خفه کردند و دو پسرش سلطان‌شاه و امیرانشاه را که با وی اسیر شده بودند میل کشیدند و کور کردند. چنان می‌نماید که دوره مداحی ازرقی از امیرانشاه در همین سال ۴۶۶ (ق.ه) سرآمده باشد زیرا که دیگر امیرانشاه کور و سرشکسته بوده و پس از آن دیگر نامی از او در تاریخ نیست. از قصیده‌ای با مطلع: بگداخت آبگینه شامی در آبدان  
وزآب چشم ابر بخندید بوستان  
پیدا است که زمانی امیرانشاه با ازرقی سرگران داشته است.

اماطغان‌شاه پسر الب ارسلان پادشاه معروف سلجوقی گویادر زمان برادرش ملک‌شاه به حکمرانی هرات گماشته شده باشد زیرا که تاریخ آغاز حکمرانی او معلوم نیست و چون سکه‌ای از او بدست آمده است که در حکمرانی خراسان در سال ۴۷۶ (ق.ه) زده است پیدا است که درین سال حکمران خراسان بوده و ازرقی می‌بایست در همین سالها در دستگاه او بوده باشد.<sup>۱</sup>

## ۲) تشبیه و انواع آن به اعتبار طرفین در شعر ازرقی

تأثر در برابر زیباییها و مناظر دل‌انگیز طبیعت و انفعال روحی در برابر هر صحنه از خصلت‌های غریزی کلیه انسانها بشمار می‌رود. شاعر نیز فردی است از هزاران هزار که در تماشای زیبا و دل‌انگیز طبیعت شرکت می‌کند. فرق او با دیگران به واسطه نیرو و نبوغ خدادادی است که تأثرات و انفعالات ناپایدار را جاودان می‌سازد و برای هر موقع دیگر قابل ظهور و تجدید می‌کند. زیبایی شعر و تأثیر آن در خواننده و شنونده بیشتر مربوط به همین نیروی خلاقه است.

اساس صور خیال احساس و تأثر است و حامل عمده این صور تشبیه است که بر حسب دوری و نزدیکی و روشنی و تاریکی مشبه و مشبه به و صفات آنها و به نسبت نیروی خلاقه شاعر گونه‌های مختلف پیدا می‌کند.

تعریف‌های مختلفی که از تشبیه کرده اند نشان دهنده این است که تعریفی را از جهتی ناقص یافته و به توصیف دیگر پرداخته اند و یا توضیح و تفسیری بر آن افزوده اند. به عنوان مثال ((تشبیه یادآوری همانندی و شباهتی است که از جهتی یا جهاتی میان دو چیز مختلف وجود دارد، چنانکه گفته اند تشبیه اخبار از ((شبه)) است و آن عبارت است از اشتراک دو چیز در یک و یا چند صفت

۱) ر.ک: دیباچه دیوان ازرقی، پیشین، ص ۶-۷

ویاد آور شده اند که همه صفات را نمی توان بر شمرد و گفته اند که تشبیه وصف کردن چیزی است به چیزهای مشابه و نزدیک بدان از یک جهت یا جهات مختلف)).<sup>۱</sup>

تشبیه در صورت گسترده و کامل خود جمله است و این جمله حداکثر چهار جزء دارد که به آنها ارکان تشبیه می گویند. در بیت زیر ارکان تشبیه به خوبی مشخص است.

زان همچو سیم وزر شد خاک درش عزیز      کوهمچو خاک سیم وزر خویش کرد خار

ب/۹۸۳

خاک ← مشبه      سیم وزر ← مشبه به  
همچو ← ادات تشبیه      عزیز بودن ← وجه شبه

صور خیال در آغاز ساده بوده است و اغلب صریح و روشن و به عبارت دیگر هر چهار جزء تشبیه را همواره دارد ولی به مرور زمان این تصاویر صورت قالبی پیدا کرده و تازگی خود را از دست می دهد. سپس همین قالبها به دست گویندگان توانا برای نوسازی به صورتهای دیگر تغییر کرده است. علت این تغییر آن است که تصویر بر اثر تکرار، نیروی تأثیر خود را از دست داده دیگر محرک خیال نیست و فعالیت و کوشش ذهنی لازم ندارد. آوردن ادات تشبیه و وجه شبه و ذکر مشبه و مشبه به در آغاز برای این بوده است که مفهوم تصویر را در ذهن بنشانند و آن را به فعالیت لطیفی بکشاند و در نتیجه خواننده و یا شنونده احساسی پیدا کند که شاعر پیدا کرده است. این نوع تصویر بر اثر تکرار، نیروی تأثیر خود را از دست می دهد و به صورت قالبی در می آید و هیچ گونه فعالیت ذهنی را سبب نمی شود و حقیقت شعری خود را از دست می دهد و جزو ترکیبات و کلمات مبتذل می شود پس ناچار تطور می یابد.

تشبیه به اعتبار طرفین دارای انواعی است که عبارتند از: محسوس به محسوس، محسوس به معقول، معقول به محسوس، مفرد به مفرد، مفرد به مرکب، مرکب به مفرد، مرکب به مرکب و در بعضی تعدد وجه شبه نیز دیده می شود و اغلب صور این دسته پس از تطور به صورت اضافه تشبیهی در آمده است.

۲) ر.ک: صور خیال در شعر فارسی، ۱۳۸۵، ص ۴۷

پراکندگی اشعار ازرقی را از نظر کاربرد تشبیه در همه ابیات اودر جدول زیر می توان یافت.

مفروق	مشروط	ملفوف	مرکب به مرکب	عقلی به عقلی	مرکب به مفرد	عقلی به حسی	مفرد به مرکب	حسی به عقلی	مفرد به مفرد	حسی به حسی
۶۸	۱۸	۲۰	۱۲	۹	۱۲	۲۴	۲۱	۳۷	۱۹۵	۱۹۵
	مضمّر	بلیغ	تفضیل	مجمّل	معکوس	مفصل	جمع	موکد	تسویه	مرسل
	۱۳	۵۳	۱۷	۱۴۴	۷	۱۱۸	۲۹	۱۱۷	۳	۱۳۷
				اساطیر ملی و مذهبی	معلومات نجومی	شعر و شاعری	رزم	وصف طبیعت	بیان حال	مدح
				۳۲	۱۸	۹	۳۴	۱۷۴	۷	۱۲۷

جدول تشبیهات ازرقی نمایانگر آنست که همچنان تشبیهات حسی حاکم بر قلمرو شعر فارسی هستند، ولی گرایش تشبیهات به سوی مفاهیم عقلی و مجرد غیر قابل انکار است. این گرایش در این عصر نشانگر تغییر سبک خراسانی و فاصله گرفتن از دنیای واقعی و محسوس و غرق شدن در مفاهیم مجرد است. تشبیه مفاهیم عقلی به عقلی نیز در شعر ازرقی نسبت به گذشته بیشتر است.

افزایش تشبیهات مجمل و بلیغ ازرقی گرایش زبان را به سوی ایجاز و خلاصه شدن می رساند و افزونی تشبیهات معکوس و تفضیلی و مضمّر و مشروط نشان آنست که ازرقی بیشتر گرایش به سوی تزیین و ابهام بیشتر در تشبیهات دارد و به نوعی به دنبال آن است که ابزارهایی برای نو کردن تشبیهات و تازه جلوه دادن مضامین پیدا کند تا به شعرش ارزش بیشتری بدهد.

اکنون چند مثال:

تشبیه محسوس به محسوس:

گلزار بتکده است من اورا شمن شوم

گلهای خرمنند در آن بتکده شمن

ب/۱۴۹۱

باغیست چهره تو که دارد بنفشه بار

سروست قامت تو که دارد بر آفتاب

ب/۹۲

آب گویی سالخورده پیر سست اندام شد

زان بیاساید بهر ده گام لختی بر گذر

ب/۳۲۷

تشبیه محسوس به معقول:

به سردر خنجر بُران چو جهل اندر سر نادان

به دل در ناوک پران چو دانش در دل دانا

ب/۲۴

در بوستان نهند به هر جای مجلسی

چون طبع عشق پرور و چون جان شاد خوار

ب/۶۵۹

کلکت از قدرت قدر شد اسبت از تیزی قضا

ای قدر در زیر دست و ای قضا در زیران

ب/۱۹۸۳

تشبیه معقول به معقول:

شغلی که اوگزارد واز پیش اورود

زانصاف وراستی شود آن شغل چون سنن

ب/۱۵۹۳

در گمان تو نیامد ای عجب هرگز غلط

لوح محفوظست پنداری ترا اندر گمان

ب/۱۹۸۱

گرچون هستی بدستت آرم زین پس

پنهان کنمت چونیستی از همه کس

ب/۲۵۱۹

تشبیه معقول به محسوس:

اندیشه به رفتن سمندت ماند

خورشید به همت بلندت ماند

ب/۲۴۶۹

دونابیند فلک رأی و آفتاب هنر

دوچاکرند فزونی تن و بزرگی جان

ب/۱۹۱۰

همت عالیش پنداری اثر دارد همی

چون دعای مستجاب اندر قضا و در قدر

ب/۳۴۵

۳) تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن در شعر ازرقی

تشبیه مفرد به مفرد :

شگفت نیست که از برف لاله ساخت زمین

که هست لاله چو شنگرف و برف چون سیماب

ب/۶۱

سکندرست صبا کز میان تاریکی

به حد روشنی آورد گوهرنایاب

ب/۵۶

گربشود نهنگ به دریا ز زخم تو

چون خارپشت سینه کند پیش سر حصار

ب/۷۴۵

تشبیه مفرد به مرکب:

سحاب گویی دُرّ منضدست به کیل

شمال گویی عود مثلثت به تنگ

ب/۱۱۶۲

پیروزه همچوسیم کشیده فرو رود

از گوشه مزمل زرین به آبدان

ب/۱۶۱۲

خاک چون اشکال اقلیدس شد از شاخ گوزن

در بر هر شکل حرفی از خدنگ جان ستان

ب/۱۸۳۸

تشبیه مفرد به مقید:

برگ چون دینار زرانود شد برشاخسار

آب چون سوهان سیم اندود شد در آبدان

ب/۱۷۸۱

برافروز آتشی چون چشم عبهر

ب/۵۱۳

زمین از اشک او گردد بسان سینه عنقا

ب/۸

قدح برکف نه و عبهر بینوی

هوا از چهر او گردد بسان دیده شاهین

تشبیه مرکب به مرکب:

تن اعدا بجان اندر نمان گردد زبیم او

چنان کاندرا فروغ می نمان گرددهمی ساغر

ب/۲۱۸

چنانکه طوطی برزعفران زند منقار

ب/۷۷۳

مگر کسی بفسان برهمی زند منقار

ب/۷۷۴

دریده پیرهن سبز غنچه بر گل زرد

ز باد چفته شود برگ زرد گل گویی

تشبیه مرکب به مقید:

خضم چون نهراسد از تو کز صریر کلک تو

گردش خرد استخوان در تن چو تخم کوکنار

ب/۶۳۱

تشبیه مقید به مقید:

از آفتاب واز نم باران شگفت نیست

گرهمچو شاخ گل بدمد شاخ خیزران

ب/۲۰۴

چون سرزال زر شود سر یوز

ب/۱۱۴۳

بختی را که سردست زدی در بن ران

ب/۱۷۰۲

زال شد باغ تا نه دیر از برف

مهرة گردن چون تخم سپندان کردی

تشبیه مقید به مفرد:

چو کوه باد دل ناصحت ز حال قوی

چوکاه باد رخ دشمنت ز عیش تباه

ب/۲۲۲۹

همچو موم اندر فروزد غیبه برگستان

ب/۱۸۶۵

سکناات تو گه بزم گرانبار چوزر

ب/۳۸۸

چون برانگیزد به هیجا آتش تحریک او

حرکات تو گه رزم سبک روح چوسیم



تشبیه مقید به مرکب:

زعفران رنگست و کاغذپوشش این بستان و باغ

برگ زر چون کاغذی کاندز زنی در زعفران

ب/۱۹۵۷

زلف مشکین تو پنداری که آذر برنگاشت

بر گل سوری زسنبل شکلهای چنبری

ب/۲۲۳۳

فلک چو بیضه عنبر نمود و انجم او

چنانکه یار کنی سندروس با عنبر

ب/۳۹۶

تعدد وجه شبه:

گیتی کنون شدست جوانی که چشم کس

شیرین و آبدار نبیند چنو جوان

ب/۲۰۰۳

چو گل بخند و بیفروز زان جهت که هنوز

به باغ بخت تو نشکفت یک گل از پنجاه

ب/۲۱۱۷

به قوت گل و سبزی زمین باغ اکنون

چو بخت خواجه عمید آمدست روشن و شاب

ب/۶۴

#### ۴) تشبیه خیالی در دیوان ازرقی

در میان شاعران او اواخر قرن پنجم ازرقی به علت بعضی تمایلات خاص که درارایه صورخیال داشته دارای تشخیص و امتیازی است و این خصوصیت که تصویرهای او را از معاصرانش جدا می کند چیزی است که به عنوان ((تشبیه خیالی)) معروف است و با اینکه در شعر اغلب گویندگان دوره قبل نمونه هایی از این نوع تصاویر وجود دارد تکرار آنها در دیوان او و نیز افراطی که در خلق اینگونه صور خیال داشته سبب شده است که بعضی از اهل ادب شعرش را مورد نقد قرار دهند.<sup>۱</sup>

رشید و طواط در مورد وی می گوید: ((باید کی چنانکه مشبه موجودی بود حاصل در اعیان، مشبه به نیز موجودی بود حاصل در اعیان، و البته نیکو و پسندیده نیست این کی جماعتی از شعراکرده اند و می کنند: چیزی را تشبیه کردن به چیزی کی در خیال و وهم موجود نباشد و نه در اعیان، چنانکه انگشت افروخته را به دریای مشکین کی موج اوزرین باشد تشبیه کنند و هرگز در اعیان نه دریای مشکین موجود است و نه موج زرین، و اهل روزگار از قلت معرفت ایشان، به تشبیهات ازرقی مفتون و معجب شده اند و در شعر او همه تشبیهات ازین جنس است و به کار نیاید)).<sup>۲</sup>

۱) ر.ک: صور خیال در شعر فارسی، ۱۳۸۵، ص ۵۲۳

۲) ر.ک: حدایق السحر، ص ۴۲

((تشبیه خیالی تشبیهی است که مشبه به آن امری غیر موجود و غیر واقعی است که مرکب از حداقل دو جزء است، اما تک تک اجزاء آن حسی و موجودند)) مانند بیشه الماس، یاسمن بلورین، خیزران عقیقین و چنگال پولادی در ابیات زیر از ازرقی<sup>۱</sup>:

هوا چو بیشه الماس گردد از شمشیر  
زمین چو پیکر مفلوج گردد از زلزال

ب/۱۲۴۱

برگ او بر خاک ریزان چون بلورین یاسمن  
شاخ او در باد یازان چون عقیقین خیزران

ب/۱۹۴۶

راست گفתי که ز پولاد بد او را چنگال  
راست گفתי که ز الماس بد او را دندان

ب/۱۷۰۱

در شعر ازرقی تصاویری از عناصر طبیعت و اشیا ساخته شده که هیچگاه در خارج وجود ندارد و این کوشش او برای به وجود آوردن تصویرهایی که یک سوی آن امریست خیالی در روزگار او نوعی تجدد در کار تصویرهای شعری بوده است. در این دوره شاعرانی مانند ازرقی و شهاب الدین عمق بخارایی و عثمان مختاری و معزی که به تقلید از گویندگان قدیم مشغول سخنوری بوده اند همگی دارای سخن های تازه و افکار جدید بوده اند. ازرقی دنباله رو عنصری بوده ولی آنرا به مراحل جدیدی از کمال رسانده و آماده آن ساخت که مقبول شاعران و نقادان دوره بعد قرار گیرد<sup>۲</sup>.

کوشش او در حقیقت نتیجه منطقی حرکت شعر فارسی در جهت پسندزندگی اشرافی زمان بود که همه چیزش زرین و سیمین و الماسگون و عقیقین است. پروانه های شعر او همه سیمین است و نرگش از مشک و درخت عرعرش پولادین و کشتی های آن از عنبر و بیشه اش از الماس و مآرهای شعرش نیز زرین است و ثعبانش سیم پیکر پیروزه استخوان و سوسمارش نیز زرین است و آسمانش عقیقین و بیضه اش سیمین و خلخال آتشین و تصاویر شعری او یاد آور قصرهای جادویی افسانه ها است چنانکه در این ابیات او می خوانیم:<sup>۳</sup>

(۱) ر.ک: بیان، ۱۳۸۵، ص ۸۲

(۲) ر.ک: تاریخ ادبیات در ایران، پیشین، ج ۲، ص ۳۳۸

(۳) ر.ک: صورخیال در شعر فارسی، پیشین، ص ۵۲۴

چو باغ از ((نرگس مشکین)) فروزد شمع کافوری      هوا (( پروانه سیمین)) فرو ریزد براو بی مر

ب/۲۰۶

بر افراز او شاه هنگام هیجا      چوبر کوه خارا ز((پولاد عرعر))

ب/۳۰۷

بر این گردون دریا چهره از میغ      بیوندد ((سماریهای عنبر))

ب/۵۱۶

ز نور تابش خورشید لعل فام شود      سروی آهوی دشتی چو ((آتشین خلخال))

ب/۱۲۲۱

و در تصویر قلم می گوید:

به (( ماز زرین)) ماند به نوک سرپران      که جان جهل ز شخصش همی کند گلشن

ب/۱۵۷۲

گویی ز زر پخته همی پوست بکند      ((ثعبان سیم پیکر پیروزه استخوان))

ب/۱۶۱۳

گر ندیدی پشت ((زرین سوسمار)) اینک بین      برترینج مشکبواز شکل و رنگ داستان

ب/۱۷۸۸

و گاه اجزای اینگونه تصاویر تا واقعیت مادی و موجود فاصله چندانی ندارند و در آن موارد تشبیهات اوزیباتر است از قبیل:

درید لاله کوهی نقاب زنگاری      چو شمع سوزان مومش سرشته با زنگار

ب/۳۰

((رواج تشبیهات خیالی و وهمی در شعر فارسی مربوط به اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم است و یکی از مشخصات تبدیل سبک خراسانی به سبک عراقی و شعر بینابین این دو سبک است و بیشتر در آثار شاعرانی از قبیل ازرقی و عمیق که در تحول سبک نقش داشته اند دیده می شود.

در تشبیهات خیالی و وهمی شاعر معمولاً وجه شبه را ذکر می‌کند. تشبیه خیالی و وهمی در شعر نو دوباره مورد توجه قرار می‌گیرد اما از آن معمولاً در مواردی استفاده می‌کنند که می‌خواهند مشبه مبهم و مجهولی را توصیف کنند.

توجه به تشبیهات خیالی و وهمی در نقد ادبی حایز اهمیت است زیرا شاعر با آن موفق به ایجاد موجودات و مخلوقات جدید بی سابقه ای می‌شود.<sup>۱</sup>

((امتیاز دیگر شعرا زرقی از شعرای سلف آن است که وی بیش از تمام شاعران سلف افعال و صفات موجودات جاندار را در مقام تشبیه یا تعبیر یا توصیف به موجودات بی جان نسبت می‌داده است.))<sup>۲</sup>

مانند شواهد زیر :

آب گویی سالخورده پیرست اندام شد      زان بیاساید به هر ده گام لختی برگذر

ب/۳۲۷

از تف و تاب خنجر مردان لشکرت      از سرکشده شکل زنان چادر آفتاب

ب/۱۱۶

اجل بازو زنان هر سو همی شد      به خون اندر چومرد آشناور

ب/۴۷۳

ازرقی بیشتر به مفاهیم ذهنی و کیفیات روانی و نفسانی شخصیت داده است و برای جود و یخل و آز و فتنه و حرص و باطل، چنگ و گریبان و شکم و پلک و چشم و پشت و دست قرار داده است.<sup>۳</sup>

مانند شواهد زیر :

وگرعدوی وی اندر دو چشم شیر شود      دودست مرگ در آید به چشم شیر چو خواب

ب/۵۸

---

۱) ر.ک: بیان، پیشین، ص ۸۴-۸۵

۲) ر.ک: سبک خراسانی در شعر فارسی، ۱۳۴۵، ص ۵۷۷

۳) ر.ک: سبک خراسانی در شعر فارسی، ۱۳۴۵، ص ۵۷۷